

**INTERNATIONAL COMMUNIST CURRENT**

**Response to Internationalist Voice on strikes in Iran**

**پاسخی به صدای انترناسیونالیستی**

**درباره اعتصابات در ایران**

**جریان کمونیست بین المللی**

برگردان فارسی از صدای انترناسیونالیستی

**صدای انترناسیونالیستی**

E-mail: [contact@internationalistvoice.org](mailto:contact@internationalistvoice.org)

Homepage: [www.internationalistvoice.org](http://www.internationalistvoice.org)

تلهگرام: <https://t.me/intvoice>

این مقاله توسط یکی از هواداران نزدیک [جریان کمونیست بین المللی] نوشته شده، به بررسی مشارکت گروه صدای انترناسیونالیستی در مورد نقاط قوت و ضعف مبارزات کارگری اخیر در ایران پرداخته است. در حالی که این مبارزات بسیار مهم هستند، ما فکر می‌کنیم که در میان برخی از بخش‌های فضای پرولتاری، گرایشی وجود دارد که سطح خود سازماندهی پرولتاریا را در این جنبش بیش از حد ارزیابی میکند، تاجائیکه شوراها را در دستور کار قرار دارند. ما به این مسئله در سایر مقالات خواهیم پرداخت. در همین حال، صدای انترناسیونالیستی مباحثه‌ای طولانی با جریان کمونیست بین المللی در پاسخ به مقالاتی که ما در رابطه با اعتراضات خیابانی در ایران، عراق و اردن در سال‌های 2017-2018 منتشر کردیم، به راه انداخته است. این متن را می‌توانید در قسمت فوروم گفتگوهایمان به آدرس زیر پیدا کنید **مباحثه ای با جریان کمونیست بین المللی: طبقه کارگر یا توده‌ها؟**. ما به موقع به این [مباحثه] پاسخ خواهیم داد.

در صفحه وب سایت جریان کمونیست بین المللی، در قسمت بحث و گفتگو، مقاله‌ای از گروه سیاسی پرولتاری، صدای انترناسیونالیستی به تاریخ 29 ژانویه با عنوان «درسهائی از اعتصابات و مبارزات کارگری و وظایف انترناسیونالیستی» وجود دارد [1]. تمرکز اصلی این متن، بر روی مبارزه طبقاتی در ایران طی چند دهه گذشته و به ویژه در چند ساله اخیر، یک یادو سال گذشته است. اما همانطور که عنوان نشان می‌دهد، نوشته، سوالهای بسیارگسترده‌تر و عمیق‌تری را مطرح می‌کند. ما از این مقاله به عنوان کمک به مباحثه در مورد نیازهای فعلی مبارزه طبقاتی استقبال می‌کنیم.

#### صدای انترناسیونالیستی از دیدگاه پرولتاری دفاع می‌کند

پیش از آنکه به جزئیات ایران بپردازیم، مهم است که بگوییم تمام نوشته از یک تجزیه و تحلیل کمونیستی برخوردار است، که در آن این خصوصیات در نظر گرفته شده است: بحران اقتصادی غیر قابل حل و اساسی سرمایه داری (و نه "...اصطلاح ناقص و فاسد") ضرورت سرنگونی انقلابی آن، نقش پیشگام انقلابی در آماده شدن برای حزب انقلابی، یک ضرورت مطلق برای انقلاب، تجزیه و تحلیل شفاف از اتحادیه‌های کارگری، زمانی که بدنه طبقه کارگر در دوران روبه رشد سرمایه داری بودند، اکنون در دوران انحطاط سرمایه داری بیانگر سرمایه داری دولتی هستند. هیچ ابهامی در مورد اتحادیه‌ها که «مذاکره کنندگان» بین سرمایه و کار هستند، وجود ندارد، بلکه نشان دادن واقعی این است که چگونه سازمانهای کارگری پس از جنگ جهانی اول توسط بورژوازی تبدیل به سازمانهای موثر سرکوب ایدئولوژیک و مادی دولت علیه کارگران شدند. این همان چیزی است که آنها از گذشته تا به حال بوده اند و قدرت تحلیلی صدای انترناسیونالیستی از انحطاط سرمایه داری، پایه نظری و تئوریک قوی آنها را برای تکامل آن [صدای انترناسیونالیستی] فراهم می‌کند. همچنین بر این مبنای، مواضع بیشتری در مورد نقش امپریالیسم در خاورمیانه و جهان وجود دارد که ما بدون شک با آنها موافق هستیم.

نوشته در خصوص ایران به برخی از تحولات در دولت ایران از زمان اعتصاب جمعی کارگران در سال 1978، سقوط شاه و تسخیر قدرت توسط حکومت اسلامی در سال 1979 که به طور مستقیم منجر به شکست بعدی موج مبارزات شد، می‌پردازد. آن ماهیت سرمایه داری رژیم ملاحا، ناتوانی در ارائه شغل یا شرایط زندگی مناسب، طبیعت امپریالیستی و بی‌رحمی کامل و ماکیاوولی آن، زمانی که با مبارزات مستقل کارگری مواجه می‌شود، را مشخص می‌کند. صدای انترناسیونالیستی به درستی بر شدت رشد مبارزات کارگری در طی چند سال گذشته، تاکید دارد، گرایش‌هایی که برای خود-سازماندهی، هم‌زمان سازی مبارزات، اراده گسترش و همبستگی بین صنایع گوناگون در مبارزه تاکید می‌کند (حتی اگر آنها تا حدود زیادی بصورت نمادین باقی مانده باشند)، روبه کاهش گذاشتن نفوذ رهبران مذهبی (پدیده‌ای که در

مبارزات کارگری در سراسر خاورمیانه عمومیت دارد، دخالت زنان در مبارزه و اعتراضات، دخالت دانشجویان و پیروی آنها از اعتصابات کارگران و نحوه اعتصاب و واکنش زشت بورژوازی را که در پی داشت، باعث اعتراض کارگران، رفقاییشان و خانواده‌های آنها در خیابان گردید [2]. صدای انترناسیونالیستی به نکته جالبی اشاره کرد، که این مبارزه طبقاتی و تکامل آن کمک کرده است تا از جنگ در ایران جلوگیری بعمل آید و یا حداقل به ایران کمک کرد که سرنوشت مشابهی با سوریه نداشته باشد، که در یک زمان احتمال وقوع آن وجود داشت. در مواجهه با اقتصاد جنگی دائمی، با تمام عواقب آن، هم مادی (کمبود کالا، تورم، سرکوب و غیره) و هم ایدئولوژیکی (مبارزات مستمر ناسیونالیستی) بسیار مهم است که مقاومت پرولتاریا در ایران همچنان ادامه یابد. با تشدید تنش‌های امپریالیستی بین ایران و ایالات متحده آمریکا، توان کارگران برای مقاومت در برابر این چالش‌ها حتی در آینده نیز با چالش‌های بیشتری مواجه خواهد شد.

### چند پرسش در مورد مبارزه طبقاتی

با این حال، ما سوال‌هایی در باره تجزیه و تحلیل صدای انترناسیونالیستی از برخی عناصر مهم مبارزه طبقاتی در ایران مطرح می‌کنیم. در میان فهرست بلند بالای، درگیر شدن کارگران در تشدید اعتصابات، معلمان، کامیون‌داران، کارگران فولاد، معدنچیان و غیره، کارگران اتوبوس‌رانی و سندیکای کارگری‌شان هستند که صدای انترناسیونالیستی آن را به عنوان تشکیلات مستقل کارگری ارزیابی می‌کند ("با تمام فراز و نشیب‌شان"). شکی نیست که اعضای آن درگیر مبارزه برای شرایط بهتر، برای آزادی کارگران دستگیر شده و بر علیه سرکوب هستند، اما مواضع "نیمه قانونی" آن را یک نیرویی مستقل و پویا برای مبارزه نمی‌کند و این چیزی است که ما فکر می‌کنیم مهم است، درباره این موضوع روشن باشیم. این سندیکا برای چندین سال وجود داشته است، که در اصل منشأ آن از خودسازماندهی و مجامع طبقاتی بوده است، اما موضع مغشوش آن به عنوان یک اتحادیه کارآمد، درها را به سوی چنین گنج سازیهائی همچون سازمان بین المللی کار باز می‌کند. نمایندگان آن "ملاقات ارزشمند" با مقامات سازمان بین المللی کار در سال 2018 در پاریس داشته اند (آنها مجوز ترک ایران را داشتند) که توسط اتحادیه‌های کارگری فرانسوی، CGT و CDFT پیش رفته بود "با توجه به دیدار با خواسته‌های طبقه‌ای در ایران". هیچ کدام از اینها اشاره‌ای به یک سازمان مستقل، و سازمانی خودگردان کارگری شکلی برای مبارزه نیست. چیزی که به نظر می‌رسد در اینجا یک داستان آشنا است - چیزی که یک بار کمیته کارگری یا بقایای آن بود، که نمیتواند راه پیش رو را ببیند و در چارچوب اتحادیه نیمه قانونی به دام افتاده است.

در مورد شورای کارگری نیشکر هفت تپه ملاحظات مشابهی داریم که تبلیغات سیاسی بسیاری در سطح بین المللی کسب کرده است، حتی باعث گمانه زنی در مورد وجود "شوراها" در ایران امروز شد. ما فکر می‌کنیم تحقیقات بیشتری در مورد ریشه‌های این ارگان مورد نیاز است - آیا در ابتدا بصورت کمیته کارخانه خود جوشی بود که بر اساس مدل "شورا" در مبارزات عظیم سالهای 1978-1979 بوجود آمده بود، یا اینکه اساسا ایجاد بدنه دیگری، نوعی اتحادیه بود؟ در هر صورت، ما می‌دانیم که برای چندین سال یا حتی بیشتر از سندیکای اتوبوس رانی وجود داشته است، اکنون به نظر می‌رسد توهماتی در مورد خود-مدیریتی گسترش میدهد. یکی از رهبران آن، اسماعیل بخشی، در نوامبر 2018 می‌نویسد: "اعتماد به نفس داشته باشید، به خودتان باور داشته باشید. ما می‌توانیم شرکت نیشکر هفت تپه را خودمان اداره کنیم. من آرزوی یک چنین روزی را دارم". بخشی دو گزینه در مقابل کارگران قرار می‌دهد: "شرکت صنعت نیشکر هفت تپه یا به طور کامل توسط کارگران اداره می‌شود. که در آن صورت ما یک کمیته تشکیل می‌دهیم و شرکت را به صورت شورایی اداره می‌کنیم. نگران نباشید. ما همه مهارت‌ها را داریم، تا امروز، چه کسی شرکت نیشکر هفت تپه را اداره کرده است؟" گزینه دوم، که بخشی ارائه می‌دهد، این است که دولت

اداره شرکت را به دست گرفته و باید "تحت نظارت شورای کارگری اداره شود". به طور خلاصه، او می گوید: "این طرح (ایجاد شورا) به نظر می رسد یک سازمان نظارتی است و عملکرد و دوام مدیران را نظارت می کند. پس از آن ما می توانیم در مورد مدیریت شرکت تصمیم بگیریم. هفت تپه یک نماد کوچک ایران است".

در جای دیگر در خود متن، صدای انترناسیونالیستی، مواضع روشن خود را در مورد تله و دامی که خود-مدیریتی برای کارگران ارائه می دهد، بیان می کند و می گوید "تویی که به دوران کودکی طبقه کارگر مربوط است" و در حال حاضر به لحاظ اقتصادی و سیاسی مخرب است. اما واقعا باید تحلیل خود را به طور مداوم به وضعیت کنونی بسط دهد. خود-مدیریتی یک مرده خطرناک است، نه فقط به این خاطر که این فرصت را به کارگران می دهد، که استثمار خود را مدیریت کنند، بلکه مهم تر از همه، چون در گذشته در خلال مبارزات گسترده طبقاتی و برای سرکوب کارگران مورد استفاده قرار می گرفته تا کارگران را در کارخانه به دام بی اندازد و مانع خلق شوراهای حقیقی شود - ارگان هایی که می توانند کل طبقه را در میان بخش های از هم جدا شده متحد کنند و "قدرت دوگانه" را علیه دولت سرمایه داری ایجاد کنند. این دقیقا همان نقدی بود که بوردیگا از گروه گرامشی در ایتالیا در سال 1920 بعمل آورده بود، چیزی که نقش هلهه کننده و شادمانی را برای اشغال کنندگان کارخانه ای در تورین و سایر مراکز صنعتی ایفا می کرد.

در عین حال، بخشی به تعدادی از ادعاهای عجیب و غریب درباره شوراهای که در حال متشکل شدن در ایران هستند اصلاحاتی را ارائه می دهد: "وقتی میگوئیم شورای مستقل کارگری در شرکت نیشکر هفت تپه تشکیل شد، برخی گمان میکنند که این شورا همان شورای نهایی است که به بالاترین سطح رسیده است. خیر! ما ابتدای راهیم و زمان میبرد که کارگران شرکت نیشکر هفت تپه این موضوع تفهیم شود که کار شورای چه هست....".

مشکل اینجا این است که بخشی بدون شک به عنوان یک مبارز جسور از درون طبقه ظاهر شد و بطور خیلی وحشیانه به دست پلیس ایران و مزدورهای ارازل اوباش آن سرکوب شد، در حال حاضر موضع گیری او به سردرگمی عمومی در مورد شوراهای کارگری که چه می باشند و آنچه که نیستند، کمک می کند، به ویژه با ارائه ایده های مبنی بر اینکه شوراهای آینده می توانند، مرحله بعدی زندگی تشکیلات دائمی و اتحادیه کارگری باشند. برای مبارزه با این سردرگمی، نوع خاصی از شجاعت را می طلبد - شجاعتی که بر خلاف جریان حرکت می کند تا از مواضع روشن پرولتاریایی دفاع کند، که در نهایت فقط به معنای پذیرش یک موضع سیاسی انقلابی است. برای اغلب کارگران مبارز و آگاه طبقاتی در ایران بهتر خواهد بود که به دور چنین موضعی حلقه زنند به جای تلاش برای حفظ تشکیلات "توده ای" مصنوعی که دیگر نمی تواند در خدمت نیازهای مبارزاتی باشد.

کمیته های کارگری، کمیته های کارخانه و شوراهای کارگری، تمام تلاش ها را برای خود سازماندهی طبقه کارگر انجام می دهند، اشتباهات، سوءبرداشت ها و... خواهند داشت و این کاملا طبیعی است - حتی ضروری است. اما آنچه که ما در اینجا در مورد سندیکای کارگران اتوبوس رانی و شورای هفت تپه می بینیم - در بهترین حالت - سازمان های کارگری سابق هستند که هر دو برای سال های زیادی وجود داشته اند و در مواجهه با مبارزات کم کم محو می شوند، پویایی آنها از بین رفته است، تطبیق آنها با ساختار سرمایه داری تنها راهی است که بقای آنها را تداوم می بخشد.

این نوشته صدای انترناسیونالیستی در امر مبارزه طبقاتی در ایران برای تمام فضای انقلابی اعم از کل منطقه، خاورمیانه و مبارزات کارگری جهانی مهم است. به همین دلیل است که ما می خواهیم اشاره کنیم، آنچه ما فکر می کنیم ضعف های فعلی مبارزات طبقه کارگر است، به طوری که بتواند در آینده مبارزه را [بهتر] به پیش ببرند.

بایون 4.4.2018

یادداشتها:

[1] <https://en.internationalism.org/forum/16622/lessons-strikes-labour-strug...>

[2] ما اخیرا با صدای انترناسیونالیستی در مورد آنچه که ما فکر می کردیم دست کم گرفتن اعتراضات خیابانی به عنوان بخشی از مبارزه طبقاتی بود، مباحثه داشتیم:

<https://en.internationalism.org/content/16599/internationalist-voice-and>

اما هیچ مسئله [و یا ابهامی در این زمینه] در اینجا وجود ندارد.